این چهره تطهیرشدنی نیست-۵

# رسانه‌های خارجی چگونه رژیم پهلوی را بزک می‌کردند؟

■ سید روح الله امین آبادی

در نظر داریم سلسله نوشتارهایی که با عنوان «این چهره تطهیر شدنی نیست» که از دی ماه سال جاری در این صفحه منتشر شده است را با استفاده از مطبوعات دوره پهلوی، خاطرات شخصیت‌های اثرگذار این دوره و اسناد لانه جاسوسی پی بگیریم، اسناد و خاطراتی که به خوبی اثبات می‌کنند در این کشور چرا انقلاب شد و تلاش ضدانقلاب از جمله سلطنت‌طلب‌ها را که به فرموده رهبر معظم انقلاب با صرف بودجه‌های کلان درصدد بزک چهره پهلوی هستند را ناکام می‌گذارد.

این ستون را هر هفته پنجشنبه‌ها در کیهان پی بگیرید.

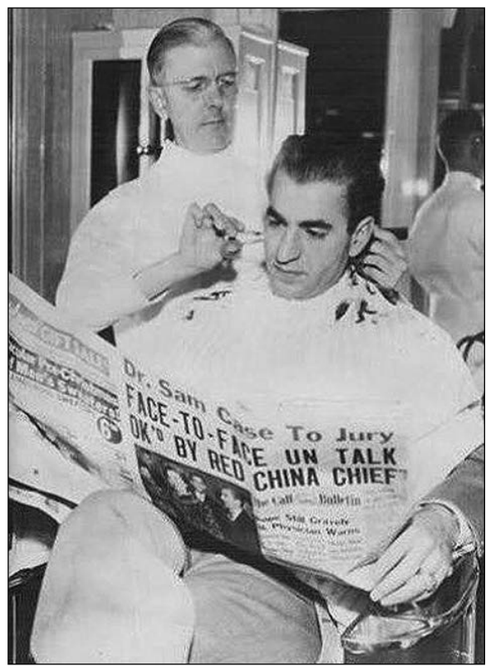


*** روزنامه‌های کشور کمتر از ۱۵ روز پس از سرکوب قیام خونین ۱۵ خرداد از فساد و فقر گسترده در کشور گزارشاتی منتشر کرده و این فقر و فساد را به اعتراض مردم به رژیم مرتبط دانستند!**

### اعتراف بزرگ روزنامه شاهنشاهی

۲۸ خرداد ۱۳۴۲ روزنامه اطلاعات در مقاله‌ای به وضعیت وخیم اقتصاد اشاره کرد. اعتراف بانک مرکزی رژیم پهلوی به وجود بحران اقتصادی از بیکاری گرفته تا رکود شدید خود دلیل معتبری است که این رژیم در اداره امور کشور تا چه اندازه بی‌کفایت بوده است.

روزنامه اطلاعات در سرمقاله روز ۲۸ خرداد ۱۳۴۲ یعنی کمتر از ۱۵ روز پس از سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد به بحران‌های متعدد موجود در کشور پرداخت.

این روزنامه نوشت: «امروز دست روی دل هر که بگذاری می‌بینی فغانش به آسمان می‌رود که کار نیست، پول نیست، بازار کساد است و البته مردم حق دارند زیرا متاسفانه یک چنین بحرانی در مملکت پیدا شده است.»

این روزنامه دلیل بحران شدید اقتصادی در کشور را چنین به نقل از خوش کیش مدیر کل وقت بانک ملی تحلیل کرد که؛ «یکی از علل فرار سرمایه و رکود معاملات در نیمه دوم سال گذشته شایعاتی بود که درباره مصادره و تقسیم مستغلات وجود داشت و بحث آن به کنگره اقتصادی کشید و چون این شایعه با قوت ترویج یافته بود هرچه مقامات مسئول می‌گفتند چنین فکری وجود ندارد به خرج مردم نمی‌رفت.»

اطلاعات ادامه این بحران را به گردن قیام ۱۵ خرداد انداخت و به نقل از خوش کیش نوشت: «می‌رفت که کم‌کم اثرات آن شایعه بی‌اساس از بین برود و معاملات رونقی بگیرد معهذا از ۱۵ خرداد با پیشامدهای این ایام بار دیگر آثار بهبود وضع و اندک توفیقی که به دست آمده بود از بین رفت.»

این مقام افزوده است: در ایام اخیر کارخانجات معتبر آنقدر درآمد و فروششان تقلیل یافت که حتی نتوانستند حقوق کارگران خود را بپردازند.

سرمقاله نویس اطلاعات در پایان نتیجه گرفت: اگر ما از بیکاری و بی‌پولی می‌نالیم تقصیر ما و عکس‌العمل کارهای خودمان است. به قول عرب‌ها خود می‌زنیم و خود فریاد می‌کشیم.[1]

گفتنی است یوسف خوش‌کیش در سال ۱۳۳۹، از معاونت بانک سپه به مدیرکلی بانک ملی رسید و سپس سمت رئیس‌کل بانک مرکزی به او تفویض گردید و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به دلیل فسادهای کلان و خیانت در حق ملت ایران محاکمه و اعدام شد.

مطبوعات کشور ۲۵ مرداد ۱۳۵۹ اعلامیه دادستانی انقلاب مبنی بر اعدام یوسف خوش کیش مدیرکل بانک مرکزی در رژیم طاغوت را منتشر کرده بودند. در این اعلامیه، دادستانی انقلاب نوشته بود که خوش‌کیش پس از محاکمه در روزهای ۱۸ تا ۲۰ مرداد، مفسد فی‌الارض و محارب باخدا و رسول او تشخیص داده شد و سحرگاه ۲۴ مرداد ۱۳۵۹ اعدام گردید.

در این اعلامیه آمده بود که خوش کیش در طول مدیریت خود، به اقتصاد کشور خیانت بزرگ کرده و مرتکب هلاک حرث و نسل شده بود.[2]

### بانک مرکزی دلایل بحران اقتصادی ایران را تشریح کرد

از سوی دیگر در گزارش تسلیمی به مجمع عمومی بانک مرکزی ایران که در روزهای پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تشکیل گردید وضع اقتصادی کشور تشریح شد.

در این گزارش نوشته شده بود «با ادامه یافتن رکود و نتیجتا کاهش اطمینان به معاملات، نرخ بهره برای وام‌گیرندگان معتبر کاهش یافت ولی تعداد کسانی که معتبر شناخته می‌شوند معدود بود.»

در این گزارش تصریح شده است: «نتیجه اقدامات اولیای امور اقتصادی کشور بر پایه محکم تری استوار گردید ولی با وجود این اقدامات به علت عدم اعتمادی که از عوامل مختلفه منجمله شایعات بی‌اساس ناشی می‌شد میزان سرمایه‌گذاری طویل المدت در رشته‌های مختلف کاهش یافت.» با وجود این بی‌اعتمادی گسترده بانک مرکزی در پایان امیدواری می‌دهد که: «علل اقتصادی بحران سه ساله اخیر تا حدود زیادی منتفی گردیده است و محققا رشد اقتصادی کشور به نحو رضایت‌بخشی از سر گرفته خواهد شد.»[3]

اعتراف بانک مرکزی رژیم پهلوی به وجود بحران اقتصادی از بیکاری گرفته تا رکود شدید خود دلیل معتبری است که این رژیم در اداره امور کشور تا چه اندازه بی‌کفایت بوده است، ولی انداختن تقصیر این بی‌کفایتی به قیام مردم نوعی فرافکنی است. طبیعی است که خیزش مردم دلایلی دارد که نارضایتی از حکومت یکی از دلایل و اصلی‌ترین علت آن است وقتی بحران وجود دارد انقلاب روی می‌دهد و طبیعی است که انداختن تقصیر بحران به گردن انقلاب حرکت از آینده به سوی گذشته است و در عرف منطقیون به این نوع حرکت مغالطه گفته می‌شود.

### سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد و اربابان خارجی شاه

با وجود سرکوب خونین قیام ۱۵ خرداد توسط رژیم شاه روزنامه لاسوئیس نوشت: شاهنشاه و دولت ایران دست به یک رشته اصلاحات اساسی زده‌اند که هدف آن واژگون کردن اساس ظلم و بی‌عدالتی و بنیانگذاری ایران نوین و پیشرفته است!

*** با وجود سرکوب شدید قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و وجود فقر و فساد گسترده در کشور رسانه‌های خارجی که دولت‌های متبوع آنان با رژیم شاه ارتباطات گسترده‌ای داشتند در گزارش‌هایی از وضعیت مطلوب اقتصادی در ایران سخن گفته و به مخالفین شاه شدیداً حمله کردند!**

این روزنامه در ادامه بدون در نظر گرفتن رویدادهای خونین ۱۵ خرداد نوشت: تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران به طور مسالمت‌آمیز و در کمال آرامش صورت می‌گیرد.[4]

نادیده گرفتن رویدادهایی که حتی رژیم شاه نتوانسته بود آنها را انکار کند از جمله سرکوب ملت ایران در خیابان‌های تهران که به شهادت ده‌ها نفر منتهی شد و مسالمت‌آمیز خواندن اقدامات شاه از جمله عجایب روزگار است که در کشورهای پیشرفته‌ای که آزادی بیان شعار آنان است شگفت انگیز به نظر می‌رسد، با این وجود گذر زمان نشان داده است که مطبوعات غربی به راحتی می‌توانند در ازای دریافت رشوه چشم بر واقعیات ببندند و دروغ بنویسند. این البته تنها موردی نبود که بلافاصله پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و در تطهیر و حمایت از رژیم پهلوی در رسانه‌های خارجی منتشر شد.

### نوچه‌های آتاتورک به کمک شاه شتافتند!

روزنامه دنیا چاپ استانبول نوشت: طبقه روشنفکر از شاهنشاه پشتیبانی می‌کنند و ارتجاع در ایران محکوم به نابودی است.

روزنامه دنیا چاپ استانبول ۲۲ خرداد ۱۳۴۲ در مقاله‌ای تحت عنوان تفکیک دین از امور دولتی به قلم فالح رفعی آتای پس از اشاره به کشورهای غربی در قرون وسطی که در آن زمان کلیسا و مدارس دینی به غرب حکمرانی می‌کردند حوادث اخیر ایران را پیش کشیده و نوشت: «بنا بر آخرین اخبار رسیده از ایران مرتجعین به مخالفت با اصلاحات شاهنشاه برخاسته‌اند، وقتی طبقه روشنفکر از شاه پشتیبانی می‌کنند ارتجاع خواه‌ناخواه محکوم به نابودی و زوال است.»

روزنامه جمهوریت چاپ استانبول نیز به قلم کیهان ساغلامر مقاله‌ای پیرامون حوادث ایران نگاشت.

نویسنده پس از اشاره به خرابکاری‌های عده‌ای که با اصلاحات اساسی مخالفند متذکر شد شاه ایران برای رفاه و آسایش ملت ایران دست به اصلاحات وسیعی زد و برای رهاندن ایران از سیستم فئودالی و انطباق با قرن بیستم آستین‌ها را بالا زده است. با فساد و اختلاس و اسراف و کاغذ بازی مبارزه را آغاز کرده است.[5]

حمایت روزنامه‌ها و رسانه‌های ترکیه از شاه امری طبیعی بود چرا که اقداماتی نظیر آن چه که شاه در ایران انجام می‌داد مدت‌ها پیش از آن از سوی آتاتورک در ترکیه صورت گرفته و این اقدامات الگویی برای فردی چون رضا شاه شده بود. با این اوصاف تخریب و تحقیر علما، روحانیون و مردمی که علیه فساد پهلوی قیام کرده‌اند از سوی نوچه‌های آتاتورک بعید به نظر نمی‌رسد و عجیب نیست.

گاردین چاپ لندن نیز در شماره مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳ [۲۰ خرداد ۱۳۴۲] نوشت: بلوایی که چندی پیش وسیله کهنه پرستان و مخالفان اصلاحات اعلیحضرت شاهنشاه ایران در این کشور رخ داد به مدد پول، مواد خوراکی و وعده‌های تو خالی انجام گردید. منشا این سر و صدا و هیاهو از ناحیه کسانی بود که با اصلاحات ارضی و سایر طرح‌های مترقیانه شاه مخالف هستند.

این روزنامه سپس اضافه کرد؛ تردید نیست که شاه ایران به خاطر گام‌های بلندی که در راه اجرای اصلاحات و نجات دادن کشور از فساد برداشته‌اند مورد احترام کلیه محافل هستند.[6]

### یک نکته درباره بزک شاه در رسانه‌های خارجی

درباره انتشار گزارشات تائیدی از رژیم شاه در نشریات و رسانه‌های خارجی نباید از نقش ساواک غافل شد.

ساواک مراقب بود تا خبرنگاران و نویسندگان نشریات خارجی که وارد ایران می‌شدند، مطالب خود را در راستای اهداف و خواسته‌های رژیم تنظیم کنند و از ارائه اخبار و گزارشاتی در مقابله با سیاست‌های حکومت و نیز انعکاس واقعیات تلخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم ایران اجتناب کنند. در این راستا تطمیع نشریات و رسانه‌های خارجی با ستایش آنها از حکومت همراه بود.

ساواک مراقب بود، نشریات و روزنامه‌های خارجی که مطالبی در مخالفت با حکومت منتشر می‌کردند وارد کشور نشود. به رغم تمام تلاش هایی که ساواک برای جلوگیری از انتشار مطالب مخالف نشریات و رسانه‌های خارجی انجام می‌داد، هر از گاه مطبوعات و رسانه‌های خارجی اخباری درباره نواقص و مشکلات موجود در نظام سیاسی ایران منتشر می‌کردند.

ساواک برای ساخت فیلمهای تبلیغاتی درباره رژیم پهلوی و نقش آن در توسعه و پیشرفت کشور و ارائه چهره‌ای سراسر به اصطلاح «گل و بلبل» از ایران، با برخی گروه‌های هنری، رسانه‌ای و فیلم‌سازان و مستندسازان اروپا و آمریکا مذاکره داشت و با همکاری وزارت امور خارجه و وزارت دربار، گروه‌هایی از این دست، با صرف هزینه‌های کلان، به ایران دعوت می‌شدند تا فیلمهایی تبلیغاتی به نفع حکومت تهیه کرده و در رسانه‌های خارجی به نمایش گذارند.[7]

* منابع در دفتر روزنامه موجود است.

# نقابی که از چهره آمریکا افتاد!

■ علی‌رضا رضاخواه

**رهبر معظم انقلاب : ما از این آقای تازه‌آمده متشکریم؛ چراکه زحمت ما را کم کرده و با نشان دادن چهره واقعی آمریکا، حرف‌های ۳۸ ساله جمهوری اسلامی ایران را درباره فساد سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی دستگاه حاکم بر آمریکا ثابت کرده است. (۱۳۹۵/۱۱/۱۹)**

ترامپ را شاید بتوان تنها حقیقت دنیای پساحقیقت (post truth) غرب دانست، جایی که واقعیت توسط رسانه‌ها ذبح می‌شود و تصویری نادرست و تحریف‌شده از آن چه هست به دیگران ارائه می‌شود. خیلی‌ها این روزها تلاش می‌کنند تا با ارائه دو گانه خیر و شر از چهره آمریکا، نظام سلطه را از لوث وجود ترامپ مبرا سازند، آنها معتقدند «باور به نمایندگی آمریکا از سوی ترامپ یک اشتباه است، این دوره‌ای گذرا است و ترامپ نمی‌تواند دوام بیاورد.»

اما برخلاف این دیدگاه باید عنوان کرد، ترامپ و پدیده ترامپیسم واقعیتی از روایتی کمتر شنیده‌شده از آمریکاست، البته «کمتر شنیده‌شده» به این معنی نیست که این روایت از جامعه آمریکا از حقیقت آمریکا به دور است یا آن قدر فراگیر نیست که بتواند آن را نمایندگی کند، بلکه برعکس می‌توان ادعا کرد ترامپ به‌عنوان یک روایت، واقعی‌ترین نماینده آمریکاست. چهره و تصویری که رسانه‌ها در عصر ارتباطات از آمریکا ساخته و بزک کرده‌اند، بخشی از پروژه قدرت نرم آمریکا بوده است.

شاید از همین‌رو است که جوزف نای، استاد دانشگاه هاروارد و از مبدعان نظریه «قدرت نرم»، ترامپ را برای قدرت نرم آمریکا یک فاجعه می‌داند.[1] تصویری که در طول سال‌های گذشته به‌ویژه در عصر اوباما از آمریکا به جهان ارائه می‌شد، تصویری بود که تلاش داشت آمریکا را سرزمین «رویاهای تحقق یافته»، «فرصت‌های برابر»، و «تافته جدابافته» از دیگران تعریف کند. بر اساس این تصویرسازی، آمریکا فراتر از یک کشور معرفی می‌شد، آمریکا ایده‌ای بود که بالقوه می‌توانست برای همه سرزمین‌ها فرصت باشد. لذا آمریکایی‌سازی Americanization مسیر سعادت و پایان تاریخ ملت‌ها ترسیم می‌شد. تصویرسازی که البته فرسنگ‌ها با واقعیت فاصله داشت.حالا روایتی واقعی‌تر از آمریکا بر روی صحنه آمده است. ترامپ روایتی از آمریکاست که سال‌ها بود در زیر لایه‌هایی از تعارفات سیاسی و یا آنچه آمریکایی‌ها (Political Correctness) می‌خوانند مخفی شده بود. نمایان شدن چهره واقعی آمریکا، خیلی‌ها را در غرب دچار آشفتگی کرده است. رسانه‌های لیبرال که مسئول گریم آمریکا بودند، این روزها چاره‌ای جز این نمی‌بینند که ترامپ را یک بیگانه و دور از ارزش‌های آمریکایی معرفی کنند. کار به جایی رسیده که مارتین شولتس رئیس‌سابق پارلمان اروپا و نامزد صدراعظمی آلمان در انتخابات پیش رو گفته است: «ترامپ آمریکایی نیست».[2]

این در حالی است که ترامپ تجسم واقعیت آمریکا بدون هیچ‌گونه روتوش است. او حرف‌هایی را می‌زند که سال‌های سال سیاستمداران آمریکایی مشغول عمل به آن بوده‌اند. ترامپ می‌گوید طرفدار استفاده از خشونت و شکنجه[3] برای تأمین امنیت آمریکاست، یعنی احیاء زندان‌های مخفی سازمان سیا[4] در اروپا و استفاده از تکنیک‌های شکنجه مثل غرق مصنوعی در گوانتانامو؛ واقعیتی که سال‌های سال بخشی از استانداردهای سیستم امنیتی آمریکا بوده است. ترامپ از بی‌پروایی‌اش در آغاز جنگ‌های بین‌المللی می‌گوید، یعنی همان کاری که رئیس‌جمهورهای پیشین آمریکا در عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، سومالی یمن و... کردند. هنوز فراموش‌مان نشده که تنها در یک سال آخر حضور اوباما در قدرت هواپیماهای آمریکا بیست و شش هزار و صد و هفتاد و یک بمب بر سر مردم نقاط مختلف دنیا انداختند! بر اساس پژوهشی که اخیرا روزنامه گاردین منتشر کرده است، آمریکا در سال ۲۰۱۶ به طور میانگین هر ساعت ۳ بمب در اقصی نقاط دنیا فرو ریخته است.[5]

ترامپ می‌گوید، کشورهای تحت حمایت آمریکا باید هزینه تحت حمایت بودن خود را بپردازند این همان کاری است که در هشت سال گذشته دولت اوباما با فروش بیش از ۲۷۸ میلیارد دلار سلاح به کشورهای دوست آمریکا به‌ویژه در منطقه غرب آسیا انجام داد.[6]

ترامپ به جنگ مهاجران رفته است و مسلمانان و مهاجران را عامل بی‌ثباتی و ناامنی در آمریکا معرفی می‌کند، رسانه‌های غربی به گونه‌ای واکنش نشان داده‌اند که گویی برای اولین بار است که در تاریخ آمریکا شاهد مهاجرستیزی دولتمردان آمریکایی هستیم. اما بد نیست تنها به چند نمونه تاریخی در این رابطه اشاره کنیم:

در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در دوران جنگ آمریکا و ژاپن بیش از ۱۲۰ هزار ژاپنی ساکن آمریکا با از دست دادن تمام حقوق شهروند در آمریکا مجبور به ترک محل سکونت، محل کار و کسب و انتقال به اردوگاه‌های جنگی شدند. روزولت، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، در فوریه ۱۹۴۲ فرمان اجرایی ۹۰۶۶[7] را به تمام نهادهای دولتی آمریکا ابلاغ کرد که بر اساس آن محرومیت، اخراج، توقیف و یا انتقال به اردوگاه‌های نظامی خارج از شهرها در مناطق کوهستانی و کویری، شامل تمام شهروندان ژاپنی و ایتالیایی ساکن آمریکا، به منظور حفظ امنیت ملی و جلوگیری از هر نوع کارشکنی و خرابکاری صورت گرفت. در دوران جورج بوش مسلمانان تحت قانون «وطن پرستی»Patriot Act[8] تحت تعقیب و تفتیش عقاید قرار گرفتند و در دوران اوباما لیستی برای اعمال ممنوعیت علیه مهاجران مسلمان آماده شد، همان لیستی که ترامپ آن را اجرایی ساخت.

ترامپ این روزها لجام‌گسیخته، کینه و نفرت علیه ملت ایران منتشر می‌کند، او سخن از تهدید، تحریم و «گزینه‌های روی میز» می‌کند، اما مخاطب باید حافظه ضعیفی داشته باشد که فراموش کند، همین دولت قبل آمریکا بود که بزرگ‌ترین افتخارش را دشمنی با مردم ایران عنوان کرده[9] و بزرگ‌ترین موفقیتش را تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده علیه تهران دانسته بود. لذا می‌توان به جرأت گفت، ترامپ روایتی حقیقی و بدون رنگ و لعاب از آمریکاست، روایتی کمتر شنیده‌شده اما به واقعیت نزدیک‌تر. بی‌جهت نیست وقتی خبرنگار شبکه خبر فاکس‌نیوز، رئیس‌جمهور روسیه را به قاتل بودن متهم می‌کند، ترامپ بدون هیچ خجالتی اذعان می‌کند که «ما هم قاتل‌های زیادی داریم و بی‌گناه نیستیم.»[10]

**پایگاه اطلاع رسانی رهبر معظم انقلاب**

منابع در دفتر روزنامه موجود است


## دادنامه

پرونده کلاسه: ۹۵۰۹۹۸۲۶۱۹۶۰۰۰۵۸
شعبه ۱۰۹ دادگاه کیفری دو شهرستان کرج (۱۰۹ جزایی سابق)
تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۶۱۴۹۰۱۵۴۷
شاکی: آقای محسن اخوان بهبهانی فرزند محمدحسن به نشانی تهران خ ولیعصر ک مردوخی ک خویشان پ۳
متهمین: ۱- خانم فهیمه شکیبائی‌پور فرزند عباس به نشانی تهران تقاطع جنت‌آباد نیایش پشت بازار جنت‌برج سفیدشماره ۷۴
۲. آقای سیدمسعود نیکوروش فرزند محمد به نشانی البرز - کرج میانجاده حیدرآباد بنی نجار ک پشت آژانس ک احرامی ۲ س اس و ۵(مجهول‌المکان)
اتهام: معامله به قصد فرار از پرداخت دین

**رای دادگاه**

در خصوص اتهام سیدمسعود نیکوروش فرزند محمد و فهیمه شکیبائی‌پور فرزند عباس دائر بر شرکت در معامله به قصد فرار از پرداخت دین بدین شرح که شاکی اظهار داشته حسب رای صادره از شعبه ۲۱۱ حقوقی تهران، متهم فوق نیکو روش حسب دادخواست مطروحه از سوی شاکی این پرونده آقای محسن اخوان بهبهانی به پرداخت مبلغ ۱۶۰/۸۹۲/۰۰۰ ریال و هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه محکوم گردیده است و از پرداخت محکوم به امتناع نموده است و سپس از صورتجلسه مرجع انتظامی مورخ ۹۴/۱۱/۱۸ در مورخه ۹۴/۱۲/۱۴ یک واحد آپارتمان را به خانم فهیمه شکیبائی‌پور منتقل می‌نماید متهمین علی‌رغم ابلاغ و نشر آگهی در جلسه حضور نیافته‌اند و ادله درخواستی از سوی دادگاه را ارائه ننموده‌اند علیهذا بزهکاری نامبردگان محرز و مسلم بوده مستندا به ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی هر یک از نامبردگان را به تحمل ۲ سال حبس محکوم می‌نماید رای صادره غیابی و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه می‌باشد.

**دادرس شعبه ۱۰۹ کیفری دو کرج**
**محمدباقر خطیبی**
م الف ۵۱۳۹۲
نشانی: کرج - بالاتر از میدان طالقانی - ساختمان مرکزی دادگستری

## آگهی ابلاغ

حسب شکایت آقای اسکندر روزبهانی فرزند رمضان در پرونده کلاسه ۹۴۰۵۱۷ شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی ملایر: متهمین ۱. آقای سعید احمدی فرزند امیدعلی ۲. حسین زمانی که فعلا مجهول‌المکان می‌باشند به اتهام مشارکت در سرقت احشام تحت تعقیب این دادگاه می‌باشند. لذا به موجب ماده ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا متهمین موصوف در مورخه ۱۳۹۶/۲/۲ ساعت ۱۰:۴۵ صبح در جلسه رسیدگی حضور یافته و یا وکیل رسمی معرفی و یا با ارسال لایحه از اتهام وارده دفاع نمایند در غیر این صورت دادگاه وفق محتویات پرونده اتخاذ تصمیم خواهد نمود. ضمنا ایشان حق استفاده از وکیل دادگستری را دارند.
م‌الف ۷۹۷ **مدیر دفتر شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ ملایر - احمدی**

## آگهی ابلاغ

بدینوسیله به آقای محسن ملکی که فعلا مجهول‌المکان و هیچگونه آدرسی در اختیار خواهان نمی‌باشد ابلاغ می‌گردد، خانم لیلا عبدلی حسین آبادی دادخواستی به طرفیت شما به خواسته جهیزیه به حوزه ۱۱۵ شورای حل اختلاف ملایر تقدیم داشته که به کلاسه ۹۵۰۶۵۶ به ثبت رسیده چون آدرس شما در اختیار خواهان نبوده حسب تقاضای نامبرده به موجب ماده ۷۳ از قانون آیین دادرسی مدنی به شما ابلاغ می‌گردد که در راس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۰ در حوزه ۱۱۵ شورای حل اختلاف ملایر حاضر شوید. در ضمن می‌توانید به دفتر حوزه مراجعه و نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت نمایید.
م الف۸۰۰ **مسئول دبیرخانه حوزه ۱۱۵ شورای حل اختلاف شهرستان ملایر**

مدرک کارشناسی گواهینامه موقت پایان تحصیلات اینجانب سمانه علی محمدی فرزند مجید به شماره شناسنامه ۴۲۷۰۷۸۶۲۴۸ صادره از زنجان در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان به نشانی - زنجان چهارراه معلم - دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان ارسال نمایند.

برگ سبز خودرو سواری پراید سایپا ۱۳۲ به شماره پلاک ۴۸۷ط۳۲- ایران۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ و شماره موتور ۳۸۴۶۹۷۴ و شماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۹۲۱۹۴۶۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

## دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۱۶۳۰۰۲۸۶ حوزه شماره ۱۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان ملایر تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۸۵۱۶۲۰۰۸۸۳
خواهان: آقای احسان بابائی توسکی فرزند علی به نشانی ملایر خیابان شهداء خیابان شهید الوند کوچه شهید ترک پلاک ۱۶۰۰
خوانده: آقای علی بهشتی روی فرزند سیدعباس به نشانی...
خواسته: مطالبه وجه چک
گردشگار: خواهان دادخواستی بخواسته فوق بطرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت مقرر دادگاه به تصدی امضاءکننده زیر تشکیل شده و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

**(رای شورا)**

در خصوص دعوی آقای احسان بابائی توسکی فرزند علی به طرفیت آقای علی بهشتی روی فرزند سیدعباس مبنی بر مطالبه مبلغ سه میلیون تومان به موجب یک فقره چک به شماره ۲۸۱۸۸۶-۹۲۲۵-۱۳ مورخه ۱۳۹۵/۲/۲۰ عهده بانک ملی به انضمام خسارت تاخیر تادیه از زمان سررسید لغایت اجرای حکم با احتساب هزینه دادرسی بدین شرح که خواهان اشعار داشته‌اند خوانده به موجب چک استنادی مبلغ خوانده را به بنده بدهکار می‌باشد. لکن در موعد سررسید چک نسبت به کارسازی وجه آن مبادرت ننموده‌اند لذا از ناحیه بانک محال علیه منتهی به صدور گواهینامه عدم پرداخت گردیده است علیهذا نظر به امتناع ایشان از ادای دین تقاضای صدور حکم بر الزام ایشان به پرداخت اصل خوانده با احساب خسارت تاخیر تادیه و هزینه دادرسی مورد استدعاست. خوانده علی‌رغم ابلاغ قانونی وفق ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی در جلسه مقرر حضور نیافته و لایحه‌ای نیز ارسال نداشته‌اند با بررسی اوراق و محتویات پرونده و مداقه در مندرجات آن و ملاحظه مستندات ابرازی خواهان از جمله تصویر مصدق چک و گواهینامه عدم پرداخت مربوط به آن که بقاء اصول آن در بد مدعی دلالت بر استقرار دین و انتقال ذمه خوانده داشته و به لحاظ عدم حضور خوانده مصون از هرگونه ایراد و تعرضی باقی مانده است و توجها به وصف تجریری اسناد تجاری شورا دعوی مطروح را وارد و درخور پذیرش دانسته و مستندا به مواد ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴ قانون تجارت ماده واحده مصوب ۱۳۷۷/۹/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر تفسیر ذیل تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک، مواد ۱۹۴، ۱۹۸، ۵۰۲ و ۵۱۹ قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ و مواد ۱۲۵۱ و ۱۲۸۸ قانون مدنی حکم بر محکومیت خوانده آقای علی بهشتی روی به پرداخت مبلغ سه میلیون تومان بابت اصل خوانده به انضمام خسارت تاخیر تادیه چک از زمان صدور کواهی عدم پرداخت آن لغایت اجرای حکم و مبلغ نود و هشت هزار تومان هزینه دادرسی از باب تسییب احکام مدنی محاسبه و پرداخت خواهد شد در حق محکوم‌علیه صادر و اعلام می‌نماید و پرداخت نیم عشر دولتی به مبلغ ۳/۳۰۰/۰۰۰ ریال در حق صندوق دولت.
**متصدی امور دفتری شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان گرمسار - مونس میراخوری**
م۸۶۱الف
**محکوم‌علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه:**
۱- ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم‌به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم‌به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجرایه ندانند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضایی ارائه نماید والا به درخواست محکوم‌له بازداشت می‌شود (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم‌له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم‌علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴).
**نشانی، استان سمنان - شهرستان گرمسار - بلوار شهید بهشتی - ساختمان دادگستری طبقه همکف - تلفن: ۳۴۲۲۴۸۱۶-۳۴۲۲۴۸۱۷ (کد ۰۲۳)**

## حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت غلامرضا صاحب‌الزمانی فرزند علی بشناسنامه ۸۱ صادره حوزه یک زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۵۱۲۱۲ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان منور مجیدی‌نیا فرزند علی بشناسنامه ۳۱۷ صادره حوزه یک زاهدان در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- متقاضی با مشخصات فوق‌الذکر (همسر متوفیه)
۲- مصطفی صاحب‌الزمانی فرزند غلامرضا به شماره ملی ۳۶۱۱۶۸۴۸۲۱ صادره زاهدان (فرزند متوفیه)
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.
**قاضی شورای حل اختلاف شماره ۲ مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان- محمدرضا طاهری‌نسب**
زاهدان- خیابان مصطفی خمینی- جنب سازمان تعزیرات حکومتی- مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان و بلوچستان
م‌الف ۳۵۴۴

## دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۴۴۱۱۵۰۰۵۵۲ شعبه ۶ دادگاه خانواده شهرستان ارومیه تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۴۴۱۱۵۰۱۱۵۴
خواهان: خانم رویا سودی فرزند حجت به نشانی استان آذربایجان غربی - شهرستان ارومیه - ارومیه- خیابان باکری- شهرک پرواز - خ طریقت - خ بهاران ۱۶ جهاد خانه‌سازی جنب پلاک ۱۷
خوانده: آقای حسن ارونقی فرزند یونس به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: لغو حضانت

**«رای دادگاه»**

در خصوص دادخواست خواهان خانم رویا سودی فرزند حجت به طرفیت خوانده آقای حسن ارونقی فرزند یونس به خواسته لغو حضانت فرزند ذکور از پدر به مادر به جهت عدم تقبل حضانت از طرف پدر و عدم صلاحیت ناشی از اعتیاد به موادمخدر بدین شرح که طرفین فرزند مشترک بنام معین متولد ۱۳۸۵/۱